

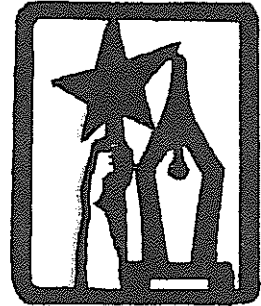


رهائی

سال سوم، شماره ی ۱۰۸
پنجشنبه ۷ آبان ماه ۱۳۶۰

نشریه سازمان وحدت کمونیستی

دین علیه دین! در حاشیه رای عدم تمایل مجلس به نخست وزیری ولایتی



اردبیلی به نیابت از جانب امام امت برای نخست وزیری پیشنهاد و فی الفور مورد تصویب مجلس قرار گرفت. داستان خیمه شب بازی استعفا با ادامه کاریشان چند هفته ای خبر داغ روز بود ایشان را با لاخره استعفا دادند. کاندید- ای بعدی که با از ظرف رفسنجانی و شهید زنده حاشیه ای به نیابت از طرف امام امت پیشنهاد شد مورد تأیید قرار نگرفت. چرا؟

کمونیست ها در تحلیل از حرکات طبقه ای حاکمه به مسئله ی طبقه ای توجه میکنند گویانکه ممکن است - و در بسیاری حالات چنین نیز هست - که خود گردانندگان طاس، قضیه را به این صورت ببینند و مسائل دیگری را بعنوان دلیل معرفی کنند. البته چنین نیست. ماهیت و حیاسات طبقه ای از برای تصورات بقیه در صفحه ی ۲

رای عدم تمایل به نخست وزیری ولایتی از آن جهت که پرده از زبانشی فعل و انفعالات درونی هیئت حاکمه برمیدارد در - خور توجه است.

مسئله ازدواج نامبارک جناحی زبور زوری و خرد مهور زوری ایران زسحرگاه انقلاب سیاسی بهمن موضوع ناشناخته ای نیست، و به این مرتبازابتدا توجه شده بود که هزمونی سیاسی خرد و زبور زوری را بین ائتلاف علیرغم قدرت اقتصادی - بورژوازی متحدی ناپیدا را میساخت و مسیر ائتلاف حاکم را دچار دست اندازهای متعدد و متوالی میکرد. دست اندازهای دولت بازرگان و کودتاگرانقلابی "گروگانگیری ولایتی" اقدام در - ماتیکی بود که پس از نزدیک به یکسال کسکمش درونی طبقه ای حاکمه، وضع را به ظاهر و بنفع خرد و زبور زوری تثبیت میکرد. ولی با آنکه شواهد ظاهری حکم به تثبیت نهایی میکرد، در همان زمان این مسئله را در مقاله ای "آب آقایی بهشتی بر بند ما است" (رها ی شماره ی ۱۱) مورد تردید قرار دادیم. سیر و طبع نشان داد که رسالتی که تاریخ آقایی بازرگان بعهده داشت به گرد بنی صدر افتاد و سپس بعد از ماهها کسکمش با زظاهرا با عزل بنی صدر ریایان گرفت. با این همه توجه به ماهیت طبقه ای حاکمه و نه حوادث روزانه، نشان میداد که این دام بر سرخ دیگری باستانی نهاده میشد و شد. با هنرنخست وزیری جمهوری اسلامی ز نظر را بدلولوزیک بدلیل کلام متافوتی را بسا بنی صدر ارائه نمیکرد. اما عرصه داریت ایشان نقد کوتاه بود که "آبروند" شهید شد و گردونه را بدست آقای مهدوی کنی سپرد. مهدوی کنی از طرف رفسنجانی و موسوی

در صفحات دیگر:

- * رژیم جمهوری اسلامی در صحنه ی سیاست جهانی
- * ۳ حکام اسلام با تلاش برای استحکام حکومت آخوندی
- * ایران و مطبوعات جهان
- * گزارش از مجمع مس سرچشمه

تکثیر از طرفداران سازمان وحدت کمونیستی در خارج از کشور

دین علیه ...

ظاهری خود را اعمال میکند. بنا بر این در این تغییر و تحولات رد پای منافع طبقاتی را باید جستجو کرد.

مسئله‌ی سایش و همکاری جناحی از بورژوازی و خورد بورژوازی در هیئت حاکمه در چارچوبی مانده اند این که سنت دموکراتیک ندارد و احزاب و سازمانها آن نهادی نیستند و لاجرم شکل بورژوازی خود را پیدا میکنند. در چارچوبی که سازمانها آن نهادی نیستند و مشخص طبقات خاص باشند و رد پای مملکت طبقات ساده تر است تا در چارچوبی که سازمانها سیاسی آن منافعی از طبقات مختلف را نمایندگی میکنند. تنها طول زمان و امکان مبارزات طولانی است که تضاد منافع طبقاتی و احزاب مسلط را در یک جانب مشعب میکند و از جانب دیگر احزاب متضاد و با خاستگاههای طبقاتی مشابه را بهم نزدیک مینماید. در این زمینه وضع حزب حاکم - حزب جمهوری اسلامی - همواره مورد بحث بوده است و عده ای بعد و نتیجه به الزامات یک حزب حاکم در چارچوبی مانده اند این که صرفاً بر مبنای مواضع آن در لحظات تعیین حاکم میگرد قیچی در مورد ماهیت طبقاتی آن داده اند.

بخشی از حزب ایران این حزب را حزب بورژوازی میخوانند و بخشی از آن خرد بورژوازی میمانند و هر یک چنان به این حاکم بصورت جزئی میگردند که لاجرم دست خود را در تفسیر صحیح وقایع و تحولات مینهند و با آنکه در مقابل یک رویداد ناگهان گنج و سردرگم میشوند و با این درست بخاطر اینست که به غلط تصور میشود و مسئله‌ی نمایندگی سیاسی منافع اقتصاد طبقاتی در ایران مسئله‌ی حل شده و فیصله یافته‌ی است.

رژیم جمهوری اسلامی و بخصوص جریان مسلط آن صرفاً نظر از اینکه همه‌ی سردمداران عضو حزب جمهوری اسلامی هستند یا نه - بطور غالب از دعای مورد نظر خرد بورژوازی حرکت کرده است. مسائلی مانند ملی کردن بانکها و برخی از صنایع و ملی کردن تجارت خارجی و امثال آن خواست طبقه‌ی بورژوازی ایران نیست با آنکه میدانیم بنا بر ماهیت رژیم سبیل بسیاری از همانان (که البته در خط امام هستند) در این ماجرا جریب میشود. این مرتزکه اگر این دعاوی تا کسوف عظمی نشده است چیزی از اهمیت این نکته کم نمیکند که صرف بیان آنها معترف مسئله‌ی خاصی است. این دعاها برای طبقه یا قشر خاصی عنوان نمیشود. این طبقه یا قشر در شرایط حاضر خرد بورژوازی است. این دعاها برای این نیست که توی دل سرمایه داران خالی شود. برعکس این دعاها برای آنست که قشر خاصی جذب شود و این قشر خرد بورژوازی است. بنا بر این هنگامی که گفته میشود که خط غالب خرد بورژوازی است این به معنای

آن است که خرد بورژوازی ایران در چارچوبی جمع شده اند و هیئت حاکمه‌ی قبلی را انتخاب کرده اند و نه به مفهوم آنست که بیان کنند گان این خط الزاماً خود را سا خرد بورژوا هستند. بسیاری از بورژواها و حتی فئودالها در طول تاریخ پرچم منافع خرد بورژواها را بدست گرفته اند تا برگردند و آن‌ها را نرسوا رشوند. و این پرچم‌داری جزئی گرفتن مواضع مورد خواست خرد بورژوازی - ولو در رؤس - میسر نیست.

بنا بر این بحث اصلی این نیست که گردانندگان حزب حاکم بورژوا هستند یا خرد بورژوا و بحث اصلی این است که گردانندگان جریان حاکم رژیم جمهوری است یا خرد بورژوازی هستند.

در این میان جریان در رؤس دیگری رژیم و جریان بورژوازی که هر دم توسط یکی - از زنگان تا مهد وی کنی - ممبرفی میشد چه میکند و طبیعی است که تا زمانی که این دعاها در حد حرف باقی مینماند و سکوت در لحظه ای که امکان عظمی شدن بخشی از آنها به چشم میخورد و کارشکنی آن کسانی که تصور میکنند با رفتن زنگان و بنی عد رجریان بورژوازی زمین میروند اشتباه میکنند و گرنه خود این حضرات میدانند که وجود دارند - منافع خود را میشناسند و با طوری پیش امام هم آرا صرفاً نظر نمیکنند. از این گذشته حتی در جریان اول یعنی جریان ملی که موضع خرد بورژوازی میگرد نیز زسخن تا عمل فاصله بسیار است.

فلان شیخ عوام قریب خیلی براحتی میتوانند در سخنان آنها و در افشانی‌هایش موضع را دیکالی بگیرند ولی هنگامی که روزها جات فرا میرسد و "رای مخفی" ایشان الزامات با مواضع خدا پسندانه ایشان یکی نیست. رای مخفی ایشان به ترازو نشان منافع طبقاتی را بیان میکند. بیان خاموش.

بدین طریق مشاهده میشود که تا زمانی که بورژوازی به نحوی از انحاء وجودیت دارد و نمایندگان با عیای عیای خود را میآفریند. اگر تحت شرایط موجود رسالت بورژوازی صد بار هم دست به دست شود اگر امانی با زنگان و اختلاف ایشان تکه تکه هم شوند و اگر نمایندگان شناخته شده می‌بوی زوازی قتل عام هم شوند و تا این جریان وجود دارد و نمایندگان دیگری عرضه خواهد کرد. از جای سردر میآورد که انتظارش نصیرفت.

این وضع تا زمانی ادامه دارد که خرد بورژوازی نه صرفاً بخش حاکم بلکه تمامیت طبقه‌ی حاکم را تشکیل دهد. و تا زمانی که باید گفت تا زمانی که نه تنها نمایندگان بورژوازی نماند بلکه آن بورژواهایی که موضع خرد بورژوازی هم میگیرند شویب شوند و حکومت بکسره در دست خرد بورژواهای اصیل (ل) بیفتند، مثلثاً بدین گفت مجاهدین "انقلاب اسلامی" حزب حاکم شوند. گردانندگان اصلی حزب جمهوری اسلامی خلق شوند و طرفداران آیات عظام شریعتمداری و مرغشی ندغی و گلباگانی، شیرازی و قمی ... غیب شوند، بورکراتها و تسکوکراتهای لیبرال منسش باگسی از صحنه حذف

جمهوری اسلامی دشمن زحمتکشان، حامی سرمایه‌دار

شوند و گذا -

ما هم البته میدانیم که چنین چیزی ممکن نیست. انجام چنین امری خود یک انقلاب سیاسی است. البته هیچ رژیم علیه خود انقلاب نمیکند.

هیچ رژیمی علیه خود انقلاب نمیکند ولی باره ای از رژیمها حقاقت انقلابی میکنند. و اینجاست که جای شهید جنت نکان بهشتی خالی است که ببینند نوا موزا نا و چگونه خنکی میکنند. او چند انقلاب را سنجید و به پیش برد. جا نشینا نش در اولین انقلابی که خواستند بکنند چنان نفیعه عمل کردند که گندش در آمد. کسانی که حد خود را نشناختند محکوم به شکستند. ما نسیم اشتباه با اجبار چنین بود :

تشدید مبارزه میان نیروهای انقلابی و رژیم تا کنون تنها جوابی که از سوی رژیم داشته است بیشتر کردن سرکوب و کشتار و خفان بوده است اما طبیعی است که رژیم میدانند که توده های مردم بنا بر ارضی هستند و ناراضی آنها شدت خواهد یافت و کشتار و خفان تا به حد نمیتواند جلوی بسیج توده ها را توسط نیروهای انقلابی بگیرد. رژیم نیش عقرب وار خود را تا حد ممکن زده است ولی نیش و نوش باید تمام باشند تا بتوانند فرجی در کار ایجاد کنند. نوش رژیم تا کنون عمدتاً در رحد و عید بوده است. برنا هم هایی که رژیم برای فریب مردم عنوان کرده است کمتر صورت واقع بخود گرفته و بنا بر این در طول زمان بخش مهمی از زمین توده تقلیل یافته خواهد بود رژیم نیز در صورتیکه اقدامی عملی نشود بی به ماهیت رژیم خواهند بود. تشدید کشتار و سرکوب از جانب رژیم باید همراه و همزمان با اقداماتی میند که لا اقل این شبهه را در اذهان بوجود آورد که رژیم فی الواقع میخواهد اقداماتی اساسی انجام دهد. یکی از این اقدامات مسئله اصلاحات ارضی بویژه بند "ج ود" است که مدتها طولانی علیرغم همه وعده ها حتی به مرحله تصویب هم نرسیده است. اجراهای خود این مسئله بخصوص از آنجا که رژیم مقابله مرحله ای عمدتاً با سازمان مجاهدین خلق بوده است اهمیت بیشتری میافتد. رژیم میبایست به توده های مردم و اعتماد کند که خواهان اقدامات اساسی است و بنا بر این حق دارد که با کسانی که با او مقابله میکنند به خشونت رفتار کنند. بسیاری دیگر عملکرد "صدانگیزه های" اصلاحات ارضی در این مقطع خاص به نظر سرد مداران رژیم بسیار ضروری و نجات بخش بود.

تلاش را دامی بحث باید به این نکته بطور معترضه اشاره کنیم که این اصلاحات ارضی با اصلاحات ارضی آریا مهربانان جهت تفاوت دارد که در نوع آریا مهربانان علت اساسی شروع کار کمک به است مناسبات سرمایه داری با زار و گردش کسالا و گسترش نیروی کار قابل ارائه به صنایع بود و نه آنطور که بخشی از اوزیسیون ایران در آن زمان تصور میکرد اقدام برای جلوگیری از خطر انقلاب یعنی اقدام "صدانگیزه ای" (هرچند بدون تردید این فایده ای جانی نیز از نظر دور نبود) به همین جهت در اصلاحات آریا مهربانان اثرات تیر مد رتتری بسیار زمینداران بصورت تشدید سسل به سرمایه دار صنعتی یا

تجاری وجود داشت ولی در اصلاحات ارضی آخوندی مسئله ای ایجاد مناسبات جدید مطرح نیست (و اگر هم باشد با زنگشت به مناسبات عمیق تر است) مسئله ای عمده بخصوص در رابطه با زمان طرح مسئله، اثر و عملکرد صدانگیزه ای متصور رجیسن بر نامه ایست.

یکسال و اندی از تدهین مواد اصلاحات ارضی میگذرد و در این مدت اصل طرح خاک میخورد. درست در زمان تشدید مبارزات نیروهای انقلابی علیه رژیم و زمانی که هریک از سردمداران و گردانندگان از رجه یک تاده از ترس جان خویشش خواب و خوراک ندارند حضرت امام به صرافت میافند که به نامه آقای رفسنجانی جواب دهد و "حکم ثانویه" صادر نماید و همان طوری که در مبارزه "صدامهربانیستی" چشم بندی موفق گروگان گیری را کرد در اینجا نیز در مبارزه "صدارتجاعی" جدی بودن خود را اثبات نماید. نقشه ی خوبی بود با این تفاوت که اگر در انقلاب "صدامهربانیستی" احساسات ضد اجنبی برخی از آخوند های مرتجع میتوانست مددگارسردمداران باشد در این جا احساسات اسلامی همین آخوند های مرتجع بگلی مزاحم مانع بود. مسئله تقدس مالکیت رکن اساسی ایدئولوژی تمام طبقات حاکم در طول تاریخ بوده است و تمامی مذاهب نیز برای مبارزه الهی صرا روزید اند و تجا و زبه این امام زاده مقدس حتی بصورت نیم بند و گذا با نه تجا و زبه اساس دین است.

این دیگر شوخی "صدامهربانیستی" و قابل رجعت نیست. سفارت خانه را میشود بست، باز کرد، آریاب نظام خواهد داشت ولی در هفتانی را که زمین بدست میآورد نمیتوان داداره پس داد آن کرد. او نظام نخواهد داشت. وانگهی اگر قرار شود که در مورد مالکیت زمین محدودیتی بوجود آید از کجا معلوم که فردا یک ضرورت صدانگیزه ای" دیگر میجیب صدور "حکم ثانویه" دیگری نشود و اساس اسلام بگلی بر باد نرود؟

حضرت امام آقا ی رفسنجانی یاد درست داشتن مسئولیت اداره کشور و حفظ و بقای رژیم البته میتوانند در افکار خود تجدید نظر کنند و در پیروزی احدی را اصلاحات ارضی را گناه کبیره بدانند و امروز که خود سوار کارند آنرا فریضه دینی بشمارند. این در پیروز و امروز آنها میتواند و باید فرق کند. ولیسی حضرت گلایگیانی و آیات عظام و صفار که تا کنون بر ای حفظ موقعیت یا بهای حضرات رقصیده اند چرا باید به آن تن دهند؟ نه تنها این حضرات بلکه حتی نتیجه آخوند ها و طلبه هایسی که به متون ولیه اسلامی عقیده دارند و معتقدند که دین مجموعه ای گامی از حکام است. و پیش بینی همه شرایط ممکن در آن شده است (و با این همه اثمی چهارده معصوم هرگز امر به محد و بدیت مالکیت نداده اند) و آری حتی اینها نیز نه از زایه دید آیات عظام بلکه از زایه ای اسلامی صرف نمیتوانند با تشخیص ضرورت از جانب آقا ی رفسنجانی و امام موافقت کنند.

این مخالفت ها از زوایای مختلف البته برای سردمداران غیر قابل پیش بینی نبود و به همین دلیل نیز کوشش شد که برخلاف "انقلاب ضدامهربانیستی" بقیه در صفحه ۶

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

ابتدا اجابت مذہبی قضیه درجه امکانها "اعمال ولايت فقيه" آب بندى شود و وجود واجب الاطاعة امام در حال دستسواى درون آخوندى استفاده گردد. ولى راي گيرى خيبر مجلس نشان داد كه تقارن خواستهاى ليبرال ها، آيات عظام و مؤمنين اصلي احكام صدر اسلامى بدان حد است كه باعث ابروريسى است. مجموعه آراء مخالفين و معتمدين و حتى د و نفر كه راي ندادند (بخوانيد مخالفين ترسيد) بحدى بود كه در رس بزرگى به سردمداران داد. به آنها و به مردم نشان داد كه آنچه كه در ابتداى مقاله گفتيم حقيقت دارد. و خود منافع مختلف كه بيا نگر وجود طبقات و قشرهاى مختلف در د ر و ن ها كمست است همواره بيان غلنى خواهد داشت. مسئله با عزل بازرگان و طرد ننى صدر خاتمه نميابد. كود تا با صد كود تا يى نبر و مند مواجه شد. تكرار نمايشنا مهي ضد امير باليستى گذشته در ريشتر قدمدار شجاعى كنوانى نه تنها فقدان كارگردان درست و حسابى مانفد بهشتى را ظاهركرد بلكه نشان داد كه در رعا و زورى به لانه جاسوسى آيات عظام و مستضعفين ضد خارجى ميتوانند تا حدى تحلل داشته باشند و حتى ريش و د مى بچنا نندا ما تحا و زيه حریم مالكي و منافع شخصى و طبقاتى شوخى بردار نيست. در اينجا اسلام در خطر است.



نمايش قدرت معترضين در روى هيئت حاكمه بيشك نتايسح و عوارض زيادى در آينده خواهد داشت. نه سردمداران مى توانفد بسهولت از برنامه ها بيو كه اجبارا - اجبار حكه متوس - مطرح كنند دست بردارند و نه اجبار طبقاتى و مذ هبى مخالفين بسهولت قابل صرف نظر كردن است. در رس بزرگ در بين سالارى اين است كه دين پا يه اى بسراى كسب قدرت

سياسى برود تا آنكه قدرت سياسى پا يه هاى مراحم دين (ونه تعلقات دينى) را بزنند. اگر دين سالارى همسازر مديريت برآى بشرى وجود آورده است اين حسن و ادا شده است كه پديد د دين را چنانكه بايد و شايد - دين در حاكميت - عربان كرده است. يك جانب قضيه اين است كه شناخت نود ها از دين و دين سالاران بى نوه م تر ميشود و يك جانب ديگر قضيه اين است كه در بين طيه دين به بشرى حد مت مىكند. اينها دستاوردهاى بى است كه در اهميت آن مبالغه نميتوان کرد.

